



سخی صمیم

قسمت چهارم

مهر یا مهریه

با احکام قانون مدنی در ایجاد خانواده و عقد ازدواج آشنا شوید

بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی شود

مهر: مهر فرع دیگری از آثار ازدواج در قانون مدنی

مهریه: مهر و مهریه: بحث مهم دیگریست که بر مبنای یک سلسله پرسشها و کمنتهای فیسبوی من خود را مکلف دانستم تا با الهام از هدایت قانون مدنی در باره آن ابراز نظر نمایم. دوستان ما نظریات موافق و مخالف به مؤیدات قانونی و کسانی هم فرا قانونی از بیجا بودن و یا عدم ضرورت آن نوشته و عده هم مطالب و نظریات گوناگون دیگری ارقام کرده اند. و اکنون منم با رعایت نوبت و غنیمت شمردن فرصت به استناد احکام و هدایت قانون در باره به توفیق ذهن و توان می نویسم و آرزو میبرم طرف توجه دوستان و عزیزانم قرار گیرد:

مهر: مهر به معنی مال یا کابین و یا قایم مقام مال از قبیل (اجناس پول نقد و غیره اجناسیکه قابلیت تملک و تصرف داشته و در عقد ازدواج موافق به احکام و قواعد اسلامی از طرف مرد به زن پرداخت میشود). مهر از حقوق منحصر به فرد به حساب آمده و مربوط زوجه می باشد. مالیکه قابلیت تملک (تصرف و مالک شدن را دارا باشد) مهر تعیین شده می تواند.

زمانیکه مال قابل قبض و تصرف بنام مهر در عقد ازدواج از طرف مرد برای زن در نفس مجلس عقد و یا بعدن پرداخت میگردد این مال ملکیت شخصی زن محسوب و زن میتواند در آن تصرفات مالکانه داشته و طور دلخواه استفاده نماید.

توجه داشته باشیم که مهر از جمله ارکان عقد نیست که جواز عقد را زیر سوال برد و یا آن را باطل سازد. عقد نکاح میتواند بر پایه رضائیت زوجین بدون تعیین مهر منعقد گردد زیرا مهر از جمله آثار ازدواج است نه رکن عقد پس در عقد ازدواج به اساس رضائیت و تجویز زوجین مانعی دیده نمیشود. به هدایت قانون توجه فرمائید:

موافق به حکم ماده « ۱۱۰ » قانون مدنی:
مهر' ملکیت زوجه محسوب میگردد. زوجه می تواند در مهر خود هر نوع تصرف
مالکانه بنماید.

انقسام مهر به مُعجل و مؤجل:

ازینکه مهر قابل تجزیه است' زوجین حین عقد ازدواج می توانند آن را به طور مُعجل و مؤجل قسمت نمایند و هم ممانعتی
وجود ندارد اگر کل مهر را معجل و یا مؤجل سازند.

همانطوریکه در بالا اشاره شد مهر با روشن و ثابت بودن اندازه خود می تواند به دو قسمت معین (مهر مُعجل و
مؤجل) تقسیم گردد.

- ۱ - مهر مُعجل: آنست که مهر معینه در نفس مجلس عقد نکاح و مراسم ازدواج برای زوجه پرداخته میشود.
- ۲ - مهر مؤجل: آنست که پرداخت آن به آینده موکول گردیده و بنام زن ثبت و راجسترو مطالبه و اخذ آن نیز به
رؤیت موافقتنامه از صلاحیت زوجه است.

اگر حالات ذکر شده حین اجرای عقد مجهول باقی ومهر تعیین نشده باشد دران صورت بایست به عرف متداول جامعه
مراجعه شود.

وبه همین منوال زمانیکه تأدیة مهر به آینده موکول و مهر مؤجل گردد آنگاه امکان تغییر در تأدیة آن وجود دارد بدین
مفهوم که در صورت وفات و یا تفریق زوجین مهر مؤجل می تواند تابع مدت کوتاه تر شده وزودتر به پرداخت آن اقدام
صورت گیرد' مگر اینکه در حین انجام اجرای عقد مدت معین و تاریخ روشن برایش تعیین نگردیده باشد.

موافق به روحیة آنچه در بالا خواندیم بی فایده نیست تا بدانیم که: زوج یعنی شوهر اجازه قانونی دارد که بعد از عقد
ازدواج مهر زوجه و خانم خود را طور دلخواه ازدیاد بخشیده و مقدار مهر را تزئید نماید' اما این عمل بایست تحت این
شرایط صورت گیرد:

- ۱ - مقدار زیادت مهر ثابت و روشن باشد.
- ۲ - زوجه یا ولی او به این زیادت موافق و آن را قبول نماید.
- ۳ - رابطه زوجیت باقی و قائم باشد.

قانون مدنی ماده ۱۰۱

- ۱ - کل و یا قسمتی از مهر' حین عقد طور معجل یا مؤجل تعیین شده میتواند.
- ۲ - در صورت عدم تصریح' بعرف رجوع میگردد. پرداخت مهر مؤجل در صورت
تفریق یا وفات تابع مدت کوتاه تر می باشد' مگر اینکه حین عقد مدت معینی تصریح شده
باشد.

أقل و أكثر مهر همانطوریکه این عنوان با مفهوم ومعانی خاص خویش (در معیار سنجش) مقدار و اندازه

کم و زیاد را نشان می دهد' همانگونه در محدوده عقد نکاح نیز تحت شرایط بخصوص در ارتباط تعیین مهر همان معانی
اصلی خود را با ویژگی خاص حفظ می نماید که اکنون به آن تماس می گیریم:

در تعیین اندازه و مقدار مهر در عقد نکاح رضائیت طرفین عقد (زوج و زوجه) اساس صحت آن شمرده میشود.
در تعیین مقدار «حد اکثر مهر» مرد یا زوج دست باز دارد. ولی جانبین عقد نمیتوانند اندازه تعیین شده حد اقل مهر را که
به اساس نظر فقهای حنفی «ده درهم شرعی» تعیین گردیده است تنقیص و یا حذف بدارند.

مرد می تواند برای زوجه خویش هر اندازه مهریکه لازم ببیند و قدرت پرداخت آن را داشته باشد بدون قید و قیود بگونه
تبرع و احسان آن را تأدیة بدارد مگر مقداریکه مقذور التسلیم واز توان و قدرت آن خارج نباشد.

ولی به هیچ عنوانی در حد اقل مهر که قبلن از آن تذکر بعمل آمد تنقیص وحذف جواز نداشته و نفی آن جواز ندارد - ولی
زوجه بعد از قبول وتعیین' حق دارد آن را ببخشد یا از اخذ آن صرف نظر نماید زیرا تعیین حد اقل مهر در عقد نکاح
امریست ثابت که بر رضائیت جانبین عقد بستگی نداشته و شامل آثار عقد ازدواج میگردد وباحکمیکه در تعیین حد اقل آن

در پهلوی دیگر دلایل موجود است بر ثبات «حد اقل» مهر، تأکید و برآفت و تنقیص و یا حذف آن در جهت منفی جلوگیری میشود: این نکته قابل تأکید بیدلیل نیست و همه میدانند:

زن یک موجود ملکوتی و قابل حرمتیست که با رضانیت و توافق خویش در عقد ازدواج دوره تجرد زندگی را تغییر و بر بهار زندگی نو قدم می‌گذارد و بهترین مرحله حیات جدید را به آزمون می‌گیرد و با فهم و درک حکمت ازدواج در تداوم و بقای نسل بشر سهیم میشود و می‌خواهد نسلی از خود بجا گذارد که حافظ نسل خود و بشر باشد.

ولی نباید فراموش کنیم که زن با قایم ساختن رابطه عاطفی با شوهر و به آرزوی رسیدن به یک زندگی مشترک و ایدئال متحمل ضرری جسمی نیز میگردد زن حین مقاربت زنا شوهری با زوج جرح و ضرری می‌بیند که این ضرر بهر صورت نباید بدون جبران باقی گذاشته شود.

هر ضرر وارده به انسان از نگاه عدالت انسانی و بشری اگر عمدی و یا غیر عمدی به وقوع پیوسته باشد نباید بدون جبران به هدر رود و نادیده گرفته شود زیرا ضرر بر مبنای عدالت حقوقی قابل جبران و تعویض پنداشته میشود.

بر همین بنیاد در صورت عدم تعیین و تصریح مهر اضافی یا «اکثر» بروجوب تعیین حد اقل و ادای آن تأکید و ایستادگی باید کرد.

پس لازم است چگونگی تعیین حد اقل و اکثر مهر را با در نظر داشت صلاحیت زوجین چنین فشرده سازیم: زوج (شوهر) در تعیین مقدار اکثر مهر که مقدور التسلیم و به رضاء و رغبت او صورت گیرد صلاحیت عام و تام و دست باز دارد ولی نمیتواند حد اقل مهر را از اندازه معینه آن پائین و یا حذف نماید.

انواع مهر:

مهر به رؤیت احکام قانون دو نوع معرفی شده است:

۱ - مهر مسمی

۲ - مهر مثل

۱ - مهر مسمی: مهر ثابت و معینیکه که مقدار نوعیت و اندازه آن معلوم بوده و شبهه دران دیده نشود و مهری باشد که حین عقد ازدواج و یا بعد از عقد ازدواج در محدوده شرایط شرعی و قانونی برای زوجه تعیین و مقرر شده و زوجه مالک آن شناخته شود آن را مهر مسمی خوانند.

و این مهر مال و ملک زوجه بوده و زوج مکلفیت ادای آن را دارد.

۲ - مهر مثل: مهریکه حین اجرای عقد تعیین نگردیده و یا بطور کُل نفی شده باشد درینصورت بایست ادای مهر به مثل و نظیر او صورت گیرد و مهرچنین زوجه همسان با زنهای دیگریکه از اقربای او و یا صفات سیرت و صورت او را داشته باشد تعیین و تقدیر میشود اینگونه مهر را مهر مثل گویند.

لازم به یاد آوری میدانم که: بر مبنای مطالب ارائه شده چون مهر به عنوان مال و ملک شخصی زوجه (زن) بحساب می‌آید پس او میتواند در ملک و مال شخصی خود تصرفات مالکانه داشته و از آن منحصیث مال متقوم استفاده برد بدین لحاظ او صلاحیت دارد که کل مهر و یا قسمتی از آن را برای شوهر هبه و یا بخشش نماید.

یاد داشت: دوست عزیز خواننده گرامی! چون مهر منحصیث جزئی از حقوق شخصی زوجه در دایره عقد ازدواج و معاشرت زنا شوهری مطالب دیگری را نیز شامل است که درین نبشته موافق به تعهد قبلی کنجایش نداشته با این مؤجز و مختصر اکتفا گردید خدا کند معذرتم پذیرفتنی باشد.

ادامه دارد

سخی صمیم